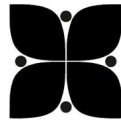




سرشناسه: ون در لیندن، ساندر؛ Van der Linden, Sander
عنوان و نام پدیدآور: زیرک: چرا کژ اطلاعات ذهن ما را آلوده می‌کند و چگونه خودمان را مصون کنیم/
نویسنده زاندر فان درلیندن؛ مترجم رامین رامبد.
مشخصات نشر: تهران: موسسه فرهنگی و هنری دیدگاه کاوش و سازندگی دکسا، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری: ۴۴۰ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۵۷۱-۷۴-۷
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
یادداشت: Foolproof : why misinformation infects... عنوان اصلی:
موضوع: رسانه‌های اجتماعی [Social media]. اطلاعات غلط [Misinformation]
رسانه‌های اجتماعی -- جنبه‌های سیاسی [Social media -- Political aspects]
شناسه افزوده: رامبد، رامین؛ ۱۳۴۵ - ، مترجم
رده بندی کنگره: HM۷۴۲
رده بندی دیویی: ۳۰۲/۲۳۱
شماره کتابشناسی ملی: ۹۶۷۹۹۶۴



زاندِر فان در لیندِن
ترجمهٔ رامین رامبد



مؤسسه فرهنگی دکسا

عنوان: زیرک
چرا کژاطلاعات ذهن ما را آلوده می‌کند و چگونه خودمان را مصون کنیم؟

نویسنده: زاندر فان در لیندن

مترجم: رامین رامبد

مدیر تولید: بهزاد عبدی

طراح جلد: غزل بیضاوی نژاد

صفحه‌آرا: سمانه حسن‌زاده

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۳

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۵۱۰,۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۵۷۱-۶۸-۶

مؤسسه فرهنگی دیدگاه کاوش و سازندگی (دکسا)

نشانی: ایران، تهران، صندوق پستی ۱۴۶۵۵۹۴۳

Email: publication@doxa-v.org

تلفن: ۰۲۱۵۴۹۳۲۲۲۲

 doxa__vision

www.doxa-v.org

گفت: هرچند دانا کسی بود که با دانش وی را خرد نیست،
آن دانش بر وی وبال بود.

— عنصرالمعالی کیکاووس بن اسکندر^۱

۱. قابوس‌نامه «در یادکردن پندهای نوشین‌روان»، به تصحیح غلامحسین یوسفی، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۵، ص. ۵۳.

فهرست

پیش گفتار ۱

پارهٔ یکم: ویروس‌های ذهن

گفتار ۱: حقیقت توهمی: مغز ما چگونه فکت را از افسانه تشخیص می‌دهد.. ۱۷

بچه‌ها هم گرفتار می‌شوند..... ۲۰

مغز پیش‌بینی‌گر..... ۲۴

آیا حقیقت توهمی است؟..... ۲۷

اثر کژاطلاعات..... ۳۲

گفتار ۲: مغز انگیزه‌دار: آنچه خوش دارید که باور کنید..... ۳۹

مغزِ بیزی..... ۴۱

چرا مغز ما انگیزه‌دار می‌شود..... ۴۵

- ۵۰..... بافتار اجتماعی
- ۵۵..... چرا دانشگران بر سر مدرک قطبی‌شدگی در دو قطب مخالفند
- ۶۳..... گفتار ۳: اثر توطئه: حقیقت همین گوشه‌کنار است
- ۶۶..... جهان‌بینی توطئه‌نگر
- ۷۴..... هفت نشانه توطئه‌اندیشی
- گفتار ۴: چرا ویروس دست از سرمان بر نمی‌دارد: تأثیرگذاری ادامه‌دار
- ۸۵..... کژاطلاعات
- ۸۷..... تأثیرگذاری ادامه‌دار کژاطلاعات
- ۹۲..... ویروس ماندگار
- ۹۵..... ویروس کژاطلاعات ماندگار است
- ۹۹..... چرا تأثیر کژاطلاعات ادامه دارد؟
- ۱۰۱..... تصحیح کژاطلاعات بدون ادامه‌یافتن تأثیرگذاری آن
- پاره دوم: اینفودمی: ویروس کژاطلاعات چگونه پخش می‌شود**
- گفتار ۵: پاتوزن‌های کژاطلاعاتی: از روم تا رسانه‌های اجتماعی
- ۱۰۹..... سیلیکن‌ولی ما آمدیم
- ۱۱۹..... دروغ می‌پرد و راستی در پی آن لنگان می‌آید
- ۱۲۸..... وقتی رسانه خودش پیام می‌شود
- ۱۳۱..... پیام‌رسان گناهی نکرده؟
- گفتار ۶: خشم از ماشین: اتاق‌های پژواک و حباب‌های همسوساز
- ۱۳۷..... درون اتاق پژواک: کسی گوش می‌دهد؟
- ۱۴۱..... هر اتاق پژواکی حباب همسوساز نیست
- ۱۴۷..... رفتن توی هزارتو

کار خودته، به من چه؟	۱۵۱
بریم سراغ آفلاین	۱۵۷
چرا اتاق‌های پژواک آنلین گسترش کژاطلاعات را تقویت می‌کنند؟.....	۱۶۱
سوراخ کردن اتاق پژواک	۱۶۷
مشوق‌های معیوب رسانه‌های اجتماعی	۱۷۰

گفتار ۷: تسلیحات ترغیب جمعی.....	۱۷۷
فایل‌های کوگن	۱۷۹
آیا اخبار جعلی قدرت تأثیرگذاری بر نتیجه انتخابات دموکراتیک را دارد؟.....	۱۸۶
رد پای دیجیتالی که بر جا می‌گذارد.....	۱۹۵
میکروهدف‌گیری: سلاح روانی ترغیب جمعی	۲۱۲
نظر من درباره اخبار جعلی در انتخابات	۲۱۶

پاره سوم: واکسن روانی ضد کژاطلاعات

گفتار ۸: دانش تازه پیش‌رئوساسازی	۲۲۵
واکسنی برای شستشوی مغزی	۲۳۰
مایه‌کوبی روانی ضد کژاطلاعات	۲۳۶
وایرال‌شدن اخبار جعلی درباره گرمایش زمین	۲۳۹
مدل باور درگاهی تغییر نگرش	۲۴۲
واکسن روانی ضد کژاطلاعات	۲۴۵
مایه‌کوبی و QAnon: فرصتی ازدست‌رفته	۲۵۲

گفتار ۹: «بدنیوز»: شش درجه انگولک	۲۵۹
شش درجه انگولک	۲۶۱
وقت بازیه	۲۸۴
خبر خوش با بدنیوز	۲۸۸

- افزایش اطمینان..... ۲۹۳
- هرچیزی بر باد می‌رود (مگر دوز تقویتی بگیرد)..... ۲۹۵
- پایش اثرات جانبی ۲۹۸
- گفتار ۱۰: مصونیت گله‌ای روانی ۳۰۳
- بخش بدنیز در جهان ۳۰۷
- وایرال بشیم: واکسینه‌شدن ضد کژاطلاعات درباره‌ کووید ۱۹..... ۳۰۹
- کارزار واکسیناسیون جهانی با دفتر کابینه، سازمان ملل، و سازمان
- بهداشت جهانی ۳۱۶
- امنیت داخلی و جنگ با پیتزای آناناس کوب ۳۱۹
- کژاطلاعات بیش‌تر واکسن بیش‌تر ۳۲۴
- پایان بازی: مایه‌کوبی ضد کژاطلاعات به گوگل ۳۲۶
- عرضه واکسن در رسانه اجتماعی ۳۳۳
- گفتار ۱۱: چگونه دوستان و خویشان را مایه‌کوبی کنیم..... ۳۳۹
- حتی ارسطو هم هوادار پیش‌رسواسازی خوب بود..... ۳۴۲
- مایه‌کوبی فکت‌پایه..... ۳۴۴
- مایه‌کوبی تکنیک‌پایه..... ۳۴۷
- مایه‌کوبی فعال در برابر غیر فعال..... ۳۵۱
- مایه‌کوبی پیش‌گیر در برابر درمانی..... ۳۵۴
- دوزهای تقویتی و گفتار پس از مایه‌کوبی ۳۵۷
- پس گفتار: آینده حقیقت ۳۶۱
- منابع بیش‌تر ۳۷۱
- یادداشت ۳۷۳

- پیش‌گفتار ۳۷۳
۱. حقیقت توهمی: مغز ما چگونه واقعیت را از افسانه تشخیص می‌دهد.. ۳۷۴
۲. مغز انگیزه‌دار: آن‌چه خوش دارید که باور کنید ۳۷۶
۳. اثر توطئه: حقیقت همین گوشه‌کنار است ۳۷۷
۴. چرا ویروس دست از سرمان برنمی‌دارد: تأثیر ادامه‌دار کژاطلاعات. ۳۷۹
۵. پاتوژن‌های کژاطلاعاتی: از روم تا رسانه‌های اجتماعی ۳۸۱
۶. خشم از ماشین: اتاق‌های پژواک و حباب‌های همسوساز..... ۳۸۲
۷. تسلیحات ترغیب جمعی ۳۸۵
۸. دانش تازه پیش‌رسواسازی..... ۳۸۸
۹. «بدنیوز»: شش درجه انگولک ۳۹۰
۱۰. مصونیت گله‌ای روانی..... ۳۹۲
۱۱. چگونه دوستان و خویشان را مایه‌کوبی کنیم ۳۹۴
- پس‌گفتار: آینده حقیقت ۳۹۴

مراجع ۳۹۷

پیش‌گفتار

زیرک. [ر] (ص) دانا و حکیم و فهیم و مُدرک و صاحب هوش^۱

کرکبی شهری‌ست نسبتاً کوچک در ناحیهٔ ناوزلی در شمال غربی انگلستان. با جمعیتی کمی بیش‌تر از ۴۰,۰۰۰ نفر، زادگاه رابرت آثرتن شاعر، استیون گراهام بازی‌گر، و مردی که بعید است تا به حال اسمش را شنیده باشید: مایکل ویتی. ویتی پدر سه فرزند است؛ داوطلب در خیریه‌ای محلی، و پارکینگ فرودگاه محلی را اداره می‌کند. و ناگفته نماند که ایده‌هایی عجیب و غریب را، آهسته و پیوسته، به کمک یار غارش، اینترنت، در ذهن پرورانده است.

در یکشنبه ۵ آوریل ۲۰۲۰، ویتی با دو همراه، با ماشین به کوپرز لین در کرکبی رفت و دکل آنتن موبایل متعلق به ودافون را به آتش کشید. ویتی دستکش به‌دست، جعبهٔ تجهیزات را با ضرب و زور باز کرد، و با ریختن مواد آتش‌زا همه‌جا را شعله‌ور ساخت. این تصمیمی «یکهویی» نبود؛ بعداً بررسی‌های پلیس نشان داد که این آتش‌افروزی با قصد قبلی بوده. ویتی به این نتیجه رسیده بود که آنتن‌های موبایل ۵G (نسل پنجم) یک جوری به همه‌گیری ویروس کرونا که همین تازگی دنیا را گرفتار کرده بود، ربط

دارند. مدارک به دست آمده از موبایل ویتی مشخص می‌کند که او وقت قابل ملاحظه‌ای را صرف بررسی تکنولوژی ۵G و بحث در مورد آن با دیگران در اتاق‌های چت آنلاین می‌کرده است. دلواپسی وی درباره این تکنولوژی تازه و سلامتی، گرچه شاید قابل درک باشد، عملاً برپایه نظریه توطئه‌ای دروغین و رسوا شده^۱ است که می‌گوید تابش آنتن‌های موبایل ۵G دستگاه ایمنی بدن را تضعیف می‌کند و بنابراین می‌تواند علت گسترش کووید ۱۹ باشد یا آن را تشدید کند.

نزدیک به چهار سال پیش از آن، در مرحله انتخاب نامزد ریاست جمهوری آمریکا، ادگار مدیسن ولچ، پدری ۲۸ ساله اهل کارولینای شمالی، با تغنگ هجومی نیم‌خودکار آماده شلیک وارد پیتزافروشی کامیت پینگ‌پونگ در واشینگتن دی.سی. شد. وی در این خیال بود که هیلاری کلینتن نامزد ریاست جمهوری به عنوان بخشی از باند ترافیک جنسی کودکان، بچه‌هایی را در زیرزمین آن‌جا پنهان کرده است. مانند ویتی، ولچ هم با خواندن یک مشت اخبار جعلی آنلاین که به گسترده‌گی از سوی سلبریتی‌ها و سیاست‌مداران پخش می‌شد، دل‌نگرانی‌هایی واقعی پیدا کرده بود (در این مورد، نسبت به سوء استفاده ممکن از کودکان، به اصطلاح افترض «پیتزاگیت»).

پاسخ حاضر و آماده برای چنین رویدادهایی آن است که آن‌ها را اعمال شخصی بدانیم و سروته قضیه را هم بیاوریم. دسته‌گل آدم‌هایی تک‌وتنها. بیش‌تر آدم‌ها فریب اخبار جعلی را نمی‌خورند. اما به‌راستی چنین است؟ چقدر مطمئنید که رأی شما تحت تأثیر کژاطلاعات^۲ با میکروهدف‌گیری^۳ قرار نگرفته؟ چقدر از چیزهایی که در رسانه‌های اجتماعی می‌خوانیم دروغین است، اگر دروغ واضح نباشد، که به هدف واداشتن ما به اندیشیدن

1. Debunked

2. Misinformation

3. Micro-targeted

یا احساس کردن به شیوه‌ای خاص طراحی نشده؟ ویتی و ولچ نک‌وتنها نیستند. راستش را بخواهید، در سطح شناختی پایه، همه ما مستعد پذیرش کژاطلاعاتیم.

با همین کژاطلاعات که آنتن‌های ۵G یک‌جوری به همه‌گیری کووید ۱۹ مرتبطند، دست کم ۵۰ دکل موبایل در بریتانیا به آتش کشیدند. پژوهش علمی بعداً تأیید کرد که باور به این توطئه ۵G به نیاتی افراطی ارتباط دارد. در ۲۰۲۰، من و همکاران کِمبریجی‌ام جمعیت‌هایی را در بریتانیا، آمریکا، مکزیک و اسپانیا مورد بررسی قرار دادیم، و رک و راست از مردم پرسیدیم که آیا به باورشان شبکه ۵G ما را بیش‌تر مستعد ویروس کرونا می‌کند؟ برآورد مطالعه ما از ۱۰ تا ۱۷ درصد جمعیت در هر کشور بود. اگر به نظرتان کم می‌آید، خب تصور کنید که ۱۰ درصد، یعنی ۷ میلیون نفر در بریتانیا، و تقریباً ۳۲ میلیون نفر در آمریکا گفتند که چنین اعتقادی دارند. مضاف بر این، اگر ۱۰ درصد سبب شود که ملت شروع کنند به آتش‌زدن آنتن‌های موبایل، وای به حال وقتی که باورهای این‌چنینی گسترشی وسیع پیدا کند. یورش ۲۰۲۱ به کنگره آمریکا، به هدف به‌چالش کشیدن پیروزی ریاست‌جمهوری جو بایدن، یادآوری ترسناکی ست از آسیبی که جماعتی دچار کژاطلاعات می‌توانند بزنند. این ادعای دروغین از سوی رئیس‌جمهور پیشین داندل ترامپ که دموکرات‌ها با تقلب گسترده در رأی‌گیری انتخابات را به یغما برده‌اند، به‌وفور در رسانه‌های اجتماعی و شبکه‌های تلویزیونی محافظه‌کار تکرار شد. این ادعاهای واهی از «آرای مشکوک به نفع جو بایدن» و مسؤولین انتخابی که «چمدان‌هایی از برگه‌های رأی را از زیر میز» بیرون کشیدند، تا «رأی‌دادن مردگان» را در برمی‌گرفت. ترامپ طی ریاست‌جمهوری‌اش بیش از ۳۰,۰۰۰ ادعای دروغین و گمراه‌کننده بیان کرد، که راستی‌آزمای^۱ به آن لقب «سونامی نادرستی» دادند.

شورش‌های خشونت‌بار در کپیتول، شاید پیامد کژاطلاعات صرف نباشد، بلکه واری‌های دامنه‌دار از سوی راستی‌آزمای مستقل PolitiFact، که پرونده‌های ۴۰۰ بازداشتی را مرور کرده، نشان داد که دست کم در نیمی از موارد، باورها و کنش‌های متهمین دسته‌گل کژاطلاعات است. بسیاری از بازداشت‌شدگان در رسانه‌های اجتماعی بسیار فعال بودند؛ حتی چندتایی در دادگاه در مقام دفاع گفتند که «گول اخبار جعلی» را خورده‌اند. بسیاری‌شان مانند ویتی و ولج بودند.

مثلاً آنتونی آتونو ۲۷ ساله را در نظر بگیرید، فروشنده پنل خورشیدی ساکن حومهٔ شیکاگو. آتونو از قبل علاقه‌ای به سیاست نداشت. حتی در انتخابات ریاست‌جمهوری رأی هم نداده بود. آتونو گفت که پس از بیکارشدن در دوران کرونا، حوصله‌اش سر رفت. با تماشا کردن پشت سر هم فاکس نیوز شروع کرد و بعدش رفت سراغ رسانه‌های اجتماعی دست راستی و گرفتار نظریه‌های توطئه‌ای شد که می‌گفتند در انتخابات ریاست‌جمهوری تقلب شده. در ۶ ژانویه ۲۰۲۱ جلیقهٔ ضد گلوله‌ای با علامت‌های گروه‌های شبه نظامی راست‌گرا را به تن کرد. او با پنج اتهام روبه‌رو شد، از جمله رفتار مخل آرامش و ورود به عنف به ساختمان کنگره. وکیلش با اشاره به سیلاب کژاطلاعات که او را غرق کرده بود گفت: «شما هم می‌توانید مبتلا شوید.»

اما گسترش کژاطلاعات خطرناک فقط موضوعی مختص به غرب نیست. در آوریل ۲۰۱۸ ویدیوهایی دروغین با هشدار نسبت به بچه‌دزدهای محلی در جنوب هند در واتس‌آپ دست به دست می‌شد که ادعا می‌کردند بیش از پنجاه بچه در منطقه ربوده شده‌اند. این پیام‌ها دارودسته‌ای ۲۰۰ نفری از مردم را تحریک کرد تا به خانواده‌ای بیگناه حمله ببرند، آنان را از ماشین‌های‌شان بیرون بکشند، یکی را تا مرگ کتک بزنند و بقیه را به وضع وخیمی مجروح کنند. پیام‌های کذایی فورانی از حمله‌های مشابه را

سبب شد. قضیه اکنون بدنام «لینچینگ واتس‌آپ هند» اغلب در پی گردش ویدیوها و پیام‌های اخبار جعلی روی این پلتفرم رخ می‌دهد. مثلاً بعداً در همان سال، پس از این‌که پیام‌های دروغین دربارهٔ دزدان محلی روی واتس‌آپ پخش شد، دو مرد تا حد مرگ کتک خوردند و هفت نفر دیگر هم لت‌وپار شدند. اوایل ۲۰۲۰ در ایران، مسمومیت جمعی ناشی از گمراهی مردم با ادعاهای دروغین رسانه‌های اجتماعی که مصرف فرآورده‌های الکلی سمی می‌تواند ویروس کرونا را «بی‌اثر» کند، به مرگ چندین نفر و بستری شدن افراد زیادی - از جمله کودکان - انجامید.

خلاصه که اخبار جعلی می‌تواند به بهای جان‌تان تمام شود. حتی در شرحی خوش‌بینانه از توانایی ما در مشخص کردن اخبار جعلی باید این فکت را در نظر بگیریم که لازم نیست تا هرکسی گول بخورد تا کژاطلاعات شدیداً تأثیرگذار و خطرناک شود. هرچه باشد، نتیجهٔ عمدهٔ انتخابات با درصدهایی اندک معلوم می‌شود، و پروپاگاندا‌ی سایبری نقش روزبه‌روز مهم‌تری در پاره کردن بافتار دموکراسی ما بازی می‌کنند. در اوایل فوریهٔ ۲۰۲۲، متخصصین روسی پروپاگاندا با ویدئوهای جعلی که مدعی تهاجم اوکراینی‌ها به خاک روسیه بودند رسانه‌ها را فریب دادند تا دست‌آویزی برای یورش برنامه‌ریزی‌شدهٔ روس‌ها بسازند. برخی تصاویر رسانه‌های اجتماعی از حملات اسرائیل به غزه گرفته شده بود؛ بقیهٔ صحنه‌ها هم از بازی تیراندازی تاکتیکی Arma 3 آمده بود. هدف این کارزارها متقاعد کردن مخاطبین خارجی برای موجه کردن تجاوز روسیه نبود، بلکه گل‌آلود کردن اوضاع در تشخیص واقعیت از قصه بود: امید به این‌که تحلیل‌گران سیاسی و راستی‌آزمایان سرگرم پیگیری و رسواسازی مطالب به‌وضوح دروغین شوند. دلواپسی موجهی دربارهٔ شیوه‌های سست کردن دموکراسی از سوی اخبار جعلی وجود دارد. مثلاً نظرسنجی ۲۰۱۶ مرکز پژوهشی Pew در واشینگتن نشان داد که بیش از ۶۵ درصد آمریکاییان می‌گویند اخبار جعلی

این احساس را به آنان می‌دهد که نسبت به اخبار واقعی سردرگم می‌شوند، و ۸۳ درصد اروپاییان فکر می‌کنند که اخبار جعلی موضوعی جدی‌ست - دست کم نیمی از افراد مورد نظرسنجی گفتند که در روندی هفتگی با کژاطلاعات روبه‌رو می‌شوند. حتی نظریه‌های توطئه دیگر مختص «مُشتی مشنگ» نیست: بیش از ۵۰ درصد آمریکاییان امروزه دست کم یک نظریه توطئه را تأیید می‌کنند. این یافته‌ها پرسش‌هایی مهم‌تر را درباره راهبری در اکوسیستم رسانه‌ای پیش می‌کشند. چطور آدم‌ها به باورکردن کژاطلاعات می‌رسند؟ چگونه و چرا پخش می‌شود؟ و از دست ما چه برمی‌آید؟

در این کتاب، به این پرسش‌ها می‌پردازم - اما بد نیست گوشزد کنم که با کتابی معمولی درباره ترغیب^۱ روبه‌رو نیستید، دست کم آن‌طور که فکرش را می‌کنید. من تمام حرفه‌ام را به مطالعه ترغیب و تأثیرگذاری^۲ گذرانده‌ام. راستش علاقه‌ام به ترغیب تنها از جنبه حرفه‌ای نیست - بخش قابل توجهی از زندگی شخصی‌ام را صرف کوشش در فهمیدن فرایندی کرده‌ام که آدم‌ها، شامل خودم، توسط آن با انواع و اقسام اطلاعات، از جمله، کژاطلاعات متقاعد^۳ می‌شوند. بیش‌تر خانواده مادری‌ام طی جنگ جهانی دوم در هلند به دست نازی‌ها اعدام شدند. پدر بزرگ و مادر بزرگم توانستند بگریزند - به دشواری - اما یکی از دو پسرشان، دایی‌ام، پسری جوان، به عمد از سوی سربازی آلمانی در عملیات Razzia (گردآوری) گلوله خورد. او را به بیمارستانی نزدیک بردند. مقاومت هلند توانست او را مخفیانه بیرون بیاورد و خانواده‌ای مهربان از وی مراقبت کردند. در پایان جنگ، پدر بزرگ و مادر بزرگم نمی‌دانستند چه بر سرش آمده. گرچه سرانجام در صحت و سلامت به هم پیوستند، دایی‌ام هرگز از نظر روانی از بلایی که در کودکی بر سرش آمده بود رهایی نیافت.

1. Persuasion
2. Influence
3. Convince

پس از این‌که از تأثیر نازیسم بر خانواده‌ام آگاه شدم، از عنفوان جوانی، شیفته‌ی فرایندی شدم که آدم‌ها از راه آن با پروپاگاندا‌ی خطرناک و زیان‌بار ترغیب می‌شوند. نخست در دوره‌ی دکتری فرصت یافتم تا به‌طور علمی به علاقه‌ام در روان‌شناسی کژاطلاعات بپردازم. مطالعه‌ام روی ترغیب را نه با ترغیب‌کردن دیگران بلکه برعکس آغاز کردم - مهندسی معکوس این فرایند. آیا می‌شود که درکی بهتر و ژرف‌تر از فرایند ترغیب به مردم کمک کند تا در برابر کوشش‌های موزیانه برای تأثیرگذاری بر آنان ایستادگی کنند؟ بر آن شدم تا سنگ بنای کارزارهای کژاطلاعات را بکاوم تا بفهمم آیا می‌توانم «واکسنی» تهیه کنم.

گرچه مدت‌ها پیش از آن‌که «اخبار جعلی» بر سر زبان‌ها بیفتد داشتم به پژوهش روی سرشت کارزارهای کژاطلاعات می‌پرداختم، تنها چند ماهی از انتخابات ۲۰۱۶ ریاست‌جمهوری آمریکا گذشته بود که ایمیلی از «گزارش‌گر ویژه‌ی سازمان ملل برای آزادی عقیده و بیان» دریافت کردم که از من دعوت می‌کرد تا در نشست سه‌روزه درباره‌ی «اخبار جعلی» شرکت کنم. مکان برگزاری ملک دورافتاده‌ی سده‌شانزدهمی بود در ساحل جنوبی انگلستان، عمارتی متعلق به وزارت امور خارجه و مشترک‌المنافع بریتانیا. طی این نشست، نمایندگانی عالی‌رتبه از دولت‌ها و شرکت‌های رسانه‌های اجتماعی جهان بر سر پرسش‌هایی پایه مانند این به بحث پرداختند: «اخبار جعلی چیست؟» و «درباره‌اش چه از دست‌مان بر می‌آید؟»

این نشست تأثیری عمیق بر من گذاشت. از آموختن درباره‌ی موضوعات پیچیده‌ی قانونی و حقوق بشری که سبب دشوارشدن تعریف و قانون‌گذاری درباره‌ی اخبار جعلی می‌شود، و چالش‌های عملی شناسایی و پیگرد کسان‌ی که عامدانه به آن دامن می‌زنند، حظ کردم. به سرعت دریافتم که تنها دانش‌گر رفتاری^۱ حاضر در سالنم، و گرچه ابتدا نقشم کاملاً واضح نبود،

1. Behavioral scientist

بحث‌ها سریعاً متمرکز بر این بینش شد که قانون و تکنولوژی ابزاری چندان برآ نیستند: هر قانونی هم که وضع شود، نمی‌تواند به خودی خود از پس گسترش کژاطلاعات برآید.

بحث به اهمیت درک قضاوت انسان و تصمیم‌گیری کشیده شد. این که اهمیت نقش روان‌شناسی در این بحث چقدر بود رو به افول رفت. یافته‌های ابتدایی خودم را درباره این که چگونه می‌توان آدم‌ها را نسبت به کژاطلاعات «واکسینه» کرد ارائه کردم؛ که کاتالیزور چیزی شد که سرانجام تبدیل به برنامه پژوهشی تأثیرگذاری شد که مبنای استراتژی‌های مقابله با اخبار جعلی مورد استفاده دولت‌ها، مقامات بهداشت همگانی، و شرکت‌های بزرگ تکنولوژی در سطح جهان شده است.

پس این کتاب به جای این که آموزه‌های بیش‌تری درباره ترغیب کردن مؤثر دیگر آدم‌ها باشد، به چگونگی رویارویی می‌پردازد. چگونه با ضد ضربه کردن^۱ ذهن‌مان در برابر تاکتیک‌های جماعتی که می‌کوشند تا با اخبار جعلی و کژاطلاعات ما را بفریبند، ایستادگی به خرج دهیم. هر آن‌چه را که درباره این که چطور با اخبار جعلی و کژاطلاعات گول‌نخوریم کشف کرده‌ام - از چگونه مغز فکت را از قصه جدا می‌کند گرفته تا شیوع ویروسی کژاطلاعات، از جمله نقش منتسب به آن در انتخابات ۲۰۱۶ آمریکا، برگزیت، جنگ‌های جهانی، و کووید ۱۹؛ تا آینده حقیقت در جامعه. ویروس کژاطلاعات را زیر میکروسکوپ می‌گذاریم تا واکسینی بسازیم، با تمرکز خاص بر درهم‌شکستن فرایند ترغیب جمعی - از نوروها گرفته تا انتخابات - در تلاش برای پرورش مصونیت جامعه‌ی^۲ علیه آن.

در دورانی که روبه‌روز آکنده از حقیقت نصفه‌نیمه، اخبار جعلی و کژاطلاعات می‌شود، این جا نیامده‌ام تا بگویم چه چیزی را باور کنید. سوای این که در کجای طیف سیاسی قرار می‌گیرید، شاید این کتاب را راهنمایی

1. Proofing

2. Societal immunization

متواضعانه برای جستجوی حقیقت از سوی خودتان قلمداد کنید. اندی نورمن فیلسوف در دانشگاه کارنگی ملون، به من می‌گوید «ایمونولوژیست شناختی». این وصف از حوزه پژوهشی‌ام را خیلی دوست دارم: کار من کاویدن نقایص فکری در ذهن است. می‌خواهم راهنمایی در اختیارتان بگذارم تا ببینید چگونه مغزتان با یورش فکت و قصه گلاویز می‌شود، جعبه‌ابزاری در یاری به بوبردن از کوشش‌هایی برای تأثیرگذاری بر عقایدتان در هنگامه «هنرهای موزیانه حقه‌بازی». به عبارت دیگر، واکنشی ضد کژاطلاعات. همان‌طور که آنتی‌ژن‌ها پاسخ ایمنی در بدن را راه می‌اندازند، آنتی‌ژن‌های روانی نیز می‌توانند به مقاوم‌سازی در برابر اخبار جعلی کمک کنند. در این کتاب برای یاری به تقویت ایمنی شما، یازده‌تا از چنین آنتی‌ژن‌هایی را عرضه می‌کنم.

وکیل مدافع آنتونی آنتونیو شورشی کنگره بی‌راه نمی‌گفت که آدم‌ها می‌توانند بسیار شبیه به بیماری مبتلا به کژاطلاعات شوند. در این کتاب، امیدوارم شما را نسبت به سه گزاره متقاعد کنم. یکم، ویروس‌هایی در ذهن‌جا خوش کرده‌اند که از نوع زیستی نیستند. ویروس زیستی انگلی‌ست که خودش را به سطح سلول میزبان می‌چسباند. سپس ماده ژنتیکی‌اش را درون میزبان تزریق می‌کند، سازوکار سلول میزبان را می‌رباید تا خودش را بازتولید کند. به همین شیوه، کژاطلاعات، نظریه‌های توطئه، و سایر ایده‌های خطرناک، به مغز قلاب می‌شوند و خودشان را در ژرفای آگاهی ما وارد می‌کنند؛ اندیشه‌ها، احساسات، و حتی خاطرات ما را انگولک^۱ می‌کنند. کژاطلاعات می‌تواند شیوه‌کنش و تفکر ما نسبت به جهان را از بیخ‌وبن زیروبر کند. ویروس کژاطلاعات بخش‌های سازوکار شناختی پایه ما را می‌رباید. بدبختانه، همان‌طور که در مان ویروس‌ها بدآوازه است (آنتی‌بیوتیک بی‌فایده است)، دهه‌ها پژوهش نشان داده که وقتی کژاطلاعات در مغز مان ریشه بدواند، بیرون‌راندنش اصلاً کار ساده‌ای نیست. این همانندی فقط در ظاهر نیست.

گزاره دوم آن است که مانند پاتوژن‌های ویروسی معمولی، باید اخبار جعلی از یک فرد به دیگری منتقل شود. راستش، در ۲۰۲۰ سازمان بهداشت جهانی (WHO) وقوع «اینفودمی»^۱ را در سطح جهان اعلام کرد. از یاد نبریم که ویروس‌ها، به تنهایی، مدت زیادی بیرون از بدن دوام نمی‌آورند. نیازمند میزبانند؛ کژاطلاعات نیز به همین. یک توییت یا تیتیر خبری همراه‌کننده چندان کاری از دستش برنمی‌آید - نیازمند میزبانی پذیرنده است تا بازتولید و گسترش پیدا کند. معمولاً ویروس‌های زیستی از راه تماس یا ریزقطرات تنفسی شیوع می‌یابند. اما ویروس‌های ذهن از این هم واگیرترند، چون می‌توانند بی‌نیاز از هرگونه تماس بدنی، از یک نفر به فرد بعدی گسترش بیابند. خواهیم دید که مانند ویروس‌های معمولی، ویروس‌های ذهن می‌توانند پیامدهایی زیان‌بار برای سلامتی داشته باشند، که به جراحات یا حتی مرگ می‌انجامد. گذشته از آن، شیوع اخبار جعلی تنها تندرستی آدم‌ها را تهدید نمی‌کند. مخاطراتی جدی برای یک پارچگی انتخابات و دموکراسی‌ها در سطح جهان وجود دارد.

سومین و آخرین گزاره آن است که به درمان ضد ویروسی مؤثری نیازمندیم - واکسنی روان‌شناختی علیه اخبار جعلی. سال‌هاست که من و همکارانم در دانشگاه کمبریج روی این موضوع کار کرده‌ایم. خوش‌بختانه زدن این واکسن به هیچ سوزنی نیاز ندارد، فقط ذهن باز می‌خواهد و بس، ضمناً کاملاً هم رایگان است. با این حال، این نظریه همانندی نزدیکی با پزشکی دارد. همان‌طور که واکسن‌ها، غالباً با واردکردن سوبه‌های مرده یا ضعیف ویروس، به سیستم ایمنی بدن یاد می‌دهند تا بر ضد مهاجمان بیگانه بجنگد، فهمیدیم که می‌توانیم ذهن آدم را هم مایه‌کوبی^۲ کنیم. با تزریق دوز ضعیف‌شده اخبار جعلی (ویروس) و ابطال آن از پیش، با

1. Infodemic

2. Inoculation

گذشت زمان آدم‌ها می‌توانند آنتی‌بادی‌های ذهنی را - مصونیت روانی - علیه کژاطلاعات را کسب کنند.

ساختن واکسن نیازمند درک ساختار ویروس است، که تا حدی با مواد شیمیایی تعیین می‌شود که اطلاعات را کدگذاری می‌کنند (مانند DNA و RNA). به همین ترتیب، گروه پژوهشی من نیز کوشیده تا تکنیک‌های اساسی پشتیبان تولید کمابیش هر خبر جعلی را بیابد، و به رده‌بندی چیزی برسد که آن را «شش درجه انگولک» می‌نامیم: گروه‌های قطبی‌ساز در جامعه؛ رویکرد به عواطف برای انگولک افراد؛ نظریه‌های توطئه‌شناور؛ جعل هویت متخصصان و سازمان‌های رسمی؛ و تروئل کردن^۱ آدم‌ها و گفتگوهای آنلاین. می‌توانید این شش تکنیک را که در گفتار ۹ مفصل مورد بحث قرار می‌گیرند، به منزله سنگ بنای ویروس اخبار جعلی در نظر بگیرید. نظریه ما آن بود که می‌توانیم بالقوه آدم‌ها را در برابر این تکنیک‌های زیربنایی واکسینه کنیم، و پس از بررسی‌های متعدد آزمایشگاهی، سرانجام به هدف رسیدیم. اما به وسیله‌ای برای زدن واکسن نیاز داشتیم - راهی برای فرستادن نظریه درون سوزن مجازی.

در همکاری خاصی با سازندگان بازی، یک موتور شبیه‌سازی درست کردیم. اسمش را گذاشتیم *بدنیوز*^۲. نخستین در نوع خودش. *بدنیوز* یک بازی اخبار جعلی کاملاً تعاملی است که محیط رسانه‌های اجتماعی را تقلید می‌کند. این بازی پیشرفت کرد ولی منطقی کمی مناقشه‌آمیز ماند: برای کسب ایمنی، باید به آدم‌ها میکردوزی از اخبار جعلی «زده» شود. در این بازی، بازی‌کنان در معرض دوزهای ضعیف‌شده‌ای از تکنیک‌های کلیدی مورد استفاده در شیوع کژاطلاعات قرار می‌گیرند. اندک مدتی بازیکن سالار و سرور امپراتوری اخبار جعلی خودش است.

۱. Trolling: پستی آنلاین که به هدف برآشفتن کسی یا ایجاد واکنشی خشمگینانه از سوی وی، به‌عمد توهین‌آمیز یا تحریک‌کننده است - م.

2. Bad News

برای آزمودن «واکسن»، گروه پژوهشی ما ده‌ها هزار نفر از اقشار مختلف را از گوشه‌وکنار جهان به کار گرفت. پیش از ورود به شیه‌سازی، از افراد خواسته می‌شد تا اعتمادپذیری ردیفی از تیت‌های اخبار جعلی را ارزیابی کنند. مثلاً:

نرخ تبدیل بیت‌کوین از سوی گروه کوچکی از بانک‌داران پول‌دار
انگولک می‌شود. #InvestigateNow

این پست جعلی تویتری از تکنیک «توطئه» سود می‌جوید: با متهم کردن گروهی از نخبگان که پنهانی دارند برای هدفی شوم نقشه می‌کشند، بر روایت اصلی سایه‌تردید می‌افکند (ویژگی‌های افشاگرانه در نظریه‌توطئه را بعداً خواهیم دید). پس از شرکت در وارسی ما (واکسن) به آدم‌ها ردیفی دیگر از تیت‌های جعلی نشان داده می‌شود، از جمله مواردی که هرگز ندیده‌اند (مهاجمان). این بار افراد به آن سادگی گول نمی‌خورند. آنتی‌بادی‌های روانی شروع کرده‌اند به تشکیل، که به شرکت‌کنندگان مجال می‌دهد تا بهتر در برابر اخبار جعلی مقاومت کنند چون تاکتیک‌های زیربنایی را فهمیده‌اند.

نظریه‌مایه‌کوبی روانی به انقلابی در دنیای راستی‌آزمایی انجامیده است. برخلاف راستی‌آزمایی (یا «رسواسازی») در این جا ایده این نیست که پس از آسیب واردشده دست به تصحیح بزنیم. مانند واکسیناسیون، وقتی نوبت به کژاطلاعات می‌رسد، ارزش واقعی این ایده آن است که «یک ارزن پیشگیری بهتر از یک خرمن درمان». باید «تهاجمی بازی کنیم نه تدافعی». بدنبور چیزی بیش از یک بازی عرضه می‌کند: سرآغاز علم جدید «پیش‌رسواسازی»^۱ است.

اما پیش از این‌که سروقت درمان‌های بالقوه برویم، نخست باید بفهمیم

دستگاه ایمنی شناختی ما به چه خوبی از پس کژاطلاعات در هنگام رویارویی برمی‌آید. پس، پارهٔ یکم این کتاب اختصاص دارد به فهم این‌که چرا همگی مان مستعد کژاطلاعاتیم. پارهٔ دوم به جزئیات پخش یک دروغ از یک فرد به فرد دیگر می‌پردازد، از روم بگیر تا شبکه‌های اجتماعی آنلاین. در پارهٔ پایانی، به کندوکاو چگونگی پیش‌رئوساسازی و مایه‌کوبی خودمان و دیگران در برابر کژاطلاعات می‌پردازیم.

خب، بیایید سفرمان را آغاز کنیم. مغز ما چطور فکت را از قصه تشخیص می‌دهد؟

پارهٔ یکم

ویروس‌های ذهن

گفتار ۱

حقیقت توهمی: مغز ما چطور فکت را از افسانه تشخیص می دهد

«فکتی در کار نیست، تنها تفسیر داریم،»

فردریش نیچه

دفترم در دانشگاه کمبریج در آزمایشگاه قدیمی گوندیش جا گرفته - عمارتی پرآوازه، زمانی جایگاه جیمز واتسن و فرنسیس کریک، که با هم با همکاری حیاتی روزالیند فرنکلین، ساختار DNA انسان را کشف کردند. این را گفتم چون تورهای کوچک بازدیدکنندگان روزانه حوالی ناهار زیر دفترم جمع می شوند، نه این که وقت شان را با دیدن من هدر دهند، بلکه تا از پیشینه پر بار این ساختمان بشنوند. در طول سال ها به این نکته پی بردم که برخی از «فکت ها» درباره این عمارت انگار با عوض شدن راهنمای تور دستخوش تغییر می شوند. حتی یک بار یکی از آنان خطاب به گروه از مارک تواین نقل کرد «هرگز نگذارید پای حقیقت به داستانی خوب باز شود.»

بعد از ظهری بارانی هنگام ناهار درخواستی از شورای اروپا دریافت کردم، سازمانی از کشورهای اروپایی که هدفش تقویت حقوق بشر و دموکراسی از راه پیمان های بین المللی ست. من را به ستادشان در فرانسه

دعوت کردند، عمارتی دژمانند مشهور به کاخ اروپا. از من خواستند تا حضوری به این پرسش پاسخ دهم: آیا مغز انسان راستی آزمای غایی ست؟ پرسش سختی ست. مغز ما چطور تصمیم می گیرد چه چیزی را باور کند، چه چیزی درست «به نظر می آید»، چه اطلاعاتی را باید به یاد سپرد، و به عنوان فکت ها و شواهد انکارناپذیر پردازش کرد، و چه چیزی انگار مشتی چرندیات بیش نیست؟

به این بیندیشید. مثلاً خودتان در مشخص کردن اخبار جعلی چقدر واردید؟ در نظرسنجی های عمومی، اکثریت بزرگی از آدم ها نوعاً مدعی اند که از توانایی خود در شناسایی اخبار جعلی مطمئنند. هرگاه درباره اخبار جعلی سخن رانی عمومی دارم، تمایل دارم تا شنوندگان را با کوییزی گرم کنم. بی تقلب، سعی کنید به پرسش های زیر بدون فکرکردن پاسخ دهید: داستان های زیر رواج زیادی پیدا کرده اند. دوتا جعلی اند. کدام راست است؟

- الف. پوتین فرمان جلب بین المللی جرج سوروس را صادر کرد.
- ب. اسم نوزادی متولد کالیفرنیا «ایموجی چشم قلبی» گذاشته شد. 😊
- ج. تلنگ شدید یک مجرم محل اختفایش را به پلیس لو داد.

در مطالعه ای با ۱,۵۰۰ نفر، به شرکت کنندگان شش تیتتر خبری مانند بالا نشان داده شد، که سه تا دروغ بودند و سه تا راست. گرچه ۵۰ درصد پاسخ دهندگان از توانایی خودشان در مشخص کردن آن ها «به خوبی مطمئن» بودند، تنها ۴ درصد توانستند همه تیترها را شناسایی کنند! شاید مغز انسان آن راستی آزمای غایی نباشد.

اگر کنجکاو هستید بدانید، پاسخ درست کوییز، ج است. با آن که بیش تر افراد به گزینه های الف و ب گرایش دارند، گاهی حقیقت از قصه بودارتر است. مردی در میزوری بابت داشتن مواد مخدر تحت تعقیب بود و

تصمیم گرفت از دست پلیس پنهان شود. بدبختانه او چنان بادی از خودش
ول کرد که محل اختفایش را لو داد. دفتر کلانترِ کلی کانتی توییت کرد: «اگر
حکم جلب‌تان صادر شده و پلیس دنبال‌تان است، و چنان باد پرصدایی
ول می‌کنید که مخفی‌گاه‌تان را لو می‌دهد، حتماً روزی ☹ داشتید! 😊»
«#ItHappened»

اگر تیرتان به خطا رفته نگران نباشید. هرکسی مستعد پذیرش اخبار
جعلی‌ست، از جمله متخصصین کارآزموده‌ای مانند خود من. در فوریه
۲۰۲۱ هم‌سرم توییتی را به من نشان داد با تکه‌ویدیوی فوری از مریخ.
می‌دانستیم که مریخ‌نورد Perseverance ناسا قرار است در اواخر فوریه
روی مریخ فرود بیاید، پس با شور و شوق به تماشای ویدیو نشستیم. حتی
ویدیو صدا هم داشت - عمدتاً باد. با شگفتی به هم نگاهی کردیم و پرسیدم:
«جدی این صدای مریخه؟» هوش از سرم پرید.

چند ساعتی بعد خواستم ویدیوی کذابی را به دوستی نشان دهم و
بعد از گوگل کردن مفصل کشف کردم که ای دل غافل جعلی بوده است
- جعلی بسیار سطح بالا. ویدیو ترکیبی بود از تکه‌های واقعی آمده از
مأموریت یک مریخ‌نورد دیگر با صدای واقعی از ابزار لرزه‌شناسی Insight
ناسا. پس، گرچه ویدیو و صدای باد مریخ واقعی بودند، تصاویر زنده
نبودند، و از میکروفون Perseverance نمی‌آمدند. سرم کلاه رفته بود. اما
من تک‌وتنها نبودم، ویدیوی کذابی بیش از ۲۵ میلیون بار دیده و در میان
بسیاری از دانشگاهیان، ژورنالیست‌ها، و سلبریتی‌ها، از جمله استیون
کینگ دست به دست شده بود. سازندگان ویدیو از این مزیت انحصاری
سود جسته بودند که مردم در انتظار ویدیوی هستند: مغز ما بابت آن‌چه
می‌خواست ببیند چشمداشتی داشت. لب کلام، اگر خیال می‌کنید نسبت
به اخبار جعلی مصونید، دوباره فکر کنید.

بچه‌ها هم گرفتار می‌شوند

خب، فقط بزرگسالان به دام اخبار جعلی نمی‌افتند. آدم وسوسه می‌شود تا استدلال کند که بچه‌های ما نسبت به کژاطلاعات مقاومت بیش‌تری دارند - هرچه باشد «بومی‌های دیجیتال» هستند: با توییتر، تیک‌تاک، و اینترنت بزرگ شده‌اند. خب، گرچه شاید دور از حقیقت نباشد که سطح سواد دیجیتالی میانگین یک نوجوان از برخی افراد مسن‌تر بیش‌تر است، حتماً باید توجه کنیم که مغز آنان نیز به همان سادگی فریب می‌خورد.

برای یافتن این میزان از سادگی، سم واین‌برگ استاد دانشگاه استنفورد و گروهش یک سال را صرف گردآوری داده‌ها از حدود ۸,۰۰۰ دانش‌آموز در آمریکا در مورد پانزده نوع متفاوت ارزیابی سواد رسانه‌ای کردند. در بخشی از این آزمون‌ها، آنان از چند صدتایی بچه‌دیرستانی خواستند تا هوم‌پیج *Slate Magazine* را که به اوضاع جاری می‌پردازد بررسی کنند. خصوصاً از دانش‌آموزان خواسته شد تا بگویند کدام بخش از اطلاعات گزارش خبری ست و کدام یک فقط آگهی ست. به طرزی نگران‌کننده بیش از ۸۰ درصد از دانش‌آموزان به نادرستی باور داشتند که اصطلاحاً «آگهی‌های بومی»^۱ گزارش خبری واقعی‌اند.

آگهی‌های بومی نوع نسبتاً تازه‌ای از تبلیغاتند با تقلید از نوشتارهای خبری، ولی مشخصاً با عنوان «محتوای حامی مالی». مثلاً یک پست درباره تغییرات اقلیم جهان، یک پای‌چارت و داده‌هایی را نشان می‌دهد. با آن‌که به‌وضوح مشخص است که این تبلیغ با حمایت مالی یک شرکت نفتی ست، و لوگوی آن‌ها هم درج شده، ۷۰ درصد دانش‌آموزان کم‌اکان آگهی شرکت نفتی کذایی را اعتمادپذیرتر از گزارش خبری علمی سنتی درباره گرمایش جهانی دانستند. نمونه‌ای دیگر به استعفای رئیس پلیس فرگوسن در میزوری، پس از گزارش فدرال در مورد شناسایی سوگیری نژادی